

بدین قرار از توضیح فرمانداری محترم کازرون مانند نوشته کتاب آثار عجم بر میآید که امامزاده درب آهنین در نزدیکی قصبه نور آباد واقع شده است لیکن برخی دوستان دانشمند که آثار تاریخی خاک ممسنی را از نزدیک مشاهده و بررسی کرده‌اند اظهار داشتند که امامزاده درب آهنی در نزدیکی ویرانه‌های بنای عهد هخامنشی و نقوش برجسته عهد عیلام است که در خاک ممسنی واقع می‌باشد (و شرح آنها خواهد آمد) و تا قصبه نور آباد مسافت بسیار دارد، آقای مرتضی رستمی عکاس اداره کل باستانشناسی که عکس امامزاده مزبور (ش ۱۹۶) و درب آهنی قدیمی آنرا (ش ۱۹۷) با اختیار اینجانب گذاردند نیز همینگونه اظهار اطلاع نمودند و در نتیجه برای اینجانب تعیین محل قطعی امامزاده درب آهنین مورد تردید واقع شده یکبار دیگر متوجه گشتم که بایستی امکانه و آثار قابل ذکر را در هنگام مسافرت بهر صورت باشد از نزدیک مشاهده و درباره آن شخصاً کسب خبر نمود و بهر حال برای تحصیل اطلاع کاملتر نسبت بمحل امامزاده درب آهنین از برخی دوستان مطلع و علاقه مند خود در شیراز تقاضای معاضدت نموده امیدوارم با رسیدن اطلاع مورد درخواست توضیح لازم در این باره ضمن قسمت ذیل کتاب مرقوم گردد که در عین حال چاپ فصل حاضر هم بتعویق نیفتاده باشد. در هر صورت وجود در آهنی قدیمی در امامزاده مزبور و انتساب باینکه آنرا از قلعه سپید آورده‌اند نکته ایست که شایسته توجه بوده جای بررسی و امعان نظر بیشتر را دارد.

با توجه بتوضیحاتی که در کتابهای مختلف راجع بآثار شگرف و تاریخی ممسنی نوشته اند چنین معلوم میگردد که در شمال و شمال شرقی جلگه‌ای که قصبه نور آباد در آن واقع است جلگه دیگری هست که آنرا دار شاه میخوانند و جلگه فهلیان نیز در جانب شمال غربی جلگه نور آباد قرار دارد، دو جلگه اخیر مجاور و متصل بهم بوده در هر کدام از آنها آثار تاریخی وجود دارد که رسیدن بدانها هم بطور کلی بس دشوار است لیکن برای اینکه در کتاب حاضر تا حد مناسبی اطلاعات مزبور بآثار نامبرده مذکور افتاده باشد توضیحاتی فراخور

هر کدام ذکر می‌نماید :

### غار کمان :

در کتاب آثار عجم شرح مفصّلی از غاری بنام کمان که درون آن یک کمان بطور واضح پدیدار می‌باشد مرقوم رفته که در تنگ کوهی واقع است و از نور آباد تا دهانه تنگ که رو بمشرق قرار دارد باید در حدود شش کیلومتر طی مسافت نمود و سپس از تنگ سنگلاخ دشواری بالا رفت و کمان را درون غار از خارج فکریست و بالا رفتن به غار هم امکان ندارد و توضیحات افسانه مانند در باره آن ذکر گردیده است که علاقمندان در صورت تمایل می‌توانند به کتاب مزبور مراجعه نمایند (۲)

### سپیدز ( قلعه سفید )

رو بروی تنگ کمان آثار قلعه معظمی از سنگ و گچ بر فراز کوهی منفرد و میجزا ( نظیر کوههای دیگر بهمین هیئت که در نقاط مختلف فارس در وسط جلگه سر با سمان کشیده بالای هر یک محوطه نسبتاً مسطحی وجود دارد ) پدیدار است که بنام سپیدز مخفف سپید دژ معروف است و آنرا بنام سفید قلعه نیز می‌خوانند و بطور عموم قلعه سفید هم می‌گویند و از قرائن امر بر می‌آید که اصل آن لا اقل مربوط بعهد ساسانیان باشد ، برای بالا رفتن بر فراز قلعه چهار راه بنامهای سیاه شیر و زرین کلاه و گلستان و شترخسب موجود بوده اکنون از راه شترخسب میتوان بویرانه‌های قلعه رسید ، بقایای دیوارها و قسمتی از دروازه سنگی و طاق ضربی سنگی آن هنوز باقی است و سنگهای نیمه تراش که در اصطلاح سنگ تراشی باد بر مینامند در آنها بکار برده‌اند و تا دوران محمد شاه قاجار هم پناهگاه و قلعه مستحکم ممسنی بوده از آن بخوبی استفاده مینموده‌اند .

(۲) کتاب آثار عجم سابق الذکر صفحات ۳۰۰ تا ۳۰۲ .

معروف است که قلعه مزبور در ری از فولاد داشته و آن در اکنون در امامزاده درب آهنین نصب است و قبلاً هم باین موضوع اشاره شد .

غیر از آثار فوق آثار تاریخی دیگری هم در این قسمت وجود دارد که توضیح درباره آنها محتاج تحقیقات و کاوشهای علمی است و در این مختصر نمیتوان درباره آنها بحث نمود و اجمالاً از ممسنی بجانب شرق و کمی هم بجانب شمال با پیمودن راه کوهستانی بسیار دشوار به اردکان میرسند و چون پس از آن بسمت جنوب شرقی روند به گویم و شیراز میرسند و این خط سیر مانند سایر نواحی سرزمین باستانی فارس نشانه‌ها و آثار و قایع و حوادث تاریخی و زندگی مردم ایران را در ادوار مختلف گذشته در بردارد چنانکه باستان شناس فقید انگلیسی سر اورل استین (A. Stein) در روزهای آخر آبان و اوایل آذر ۱۳۱۴ که بمنظور تحقیق درباره جاده بین تخت جمشید و شوش از شیراز ب اردکان میرفت در تپه‌های مختلف واقع در سمت جنوب شرقی اردکان گمانه‌هایی زد و مهمترین این تپه‌ها تل سمر بود که قطعات سفال منقوش شبیه آثار تل باکون در آنجا بدست آورد ، بنابراین نواحی واقع در مغرب شیراز که اردکان در شمال و کازرون و نورآباد و فهلیان در جنوب و جنوب غربی آنها واقع میگردد نیز بنوبه خود شایسته انجام تحقیقات علمی و باستان‌شناسی خواهد بود .

اینک از نورآباد بجانب شمال غربی توجه نموده بذکر آثار تاریخی فهلیان می‌پردازیم :

### ویرانه‌های عهد هخامنشی

فهلیان به مسافت ۷۴ کیلومتری شمال غربی کازرون واقع گردیده از نورآباد بآنجا در حدود ۱۲ کیلومتر است ، چون از نورآباد بفهلیان بروند و از فهلیان به آبادی بنام جن جن یا جن جن در شش کیلومتری مغرب فهلیان عزیمت نمایند پس از آبادی اخیر به آبادی سریشه و از آنجا بقلعه نو و سپس بآبادی

سرّوان میرسند .

ویرانه های مهمی از عهد هخامنشی در مجاورت آبادی سرّوان وجود دارد و سه ستونهایی که قطر هر کدام قریب ۹۰ سانتیمتر بوده از لحاظ طرح و حجّاری نظیر سه ستونهای تخت جمشید و مزین به گلپای شبیه زنبق (لُتوس) میباشد از جمله بقایای کاخ سلطنتی هخامنشی موجود در آنجا بنظر میرسد (ش ۱۹۸) و بدیهی است یکی از محلّهای مناسب کاوش علمی مفید بنحوی که آثار مدفون در خاک پس از کشف بوضع شایسته نگهداری شود و در معرض آسیبهای مختلف قرار نگیرد در مکان مزبور خواهد بود .

باتوجه بآنچه درباره آثار هخامنشی در قصر ابونصر و قلّ حکوان و فیروز آباد و بالاده سابقاً مذکور شد چنین بنظر میرسد که خطّ سیر جاده شاهی از تخت جمشید به شوش از نقاط فوق میگذشته است و مابین بالاده و سرّوان در محلّ ویرانه های شهر شاپور کازرون هم منزلگاه دیگر و ابنیه ای از عهد هخامنشی وجود داشته است (۱) و کاخ هخامنشی سرّوان منزلگاه بعدی بوده با احتمال قوی ششمین توقفگاه شاهنشاهان هخامنشی از تخت جمشید بجانب شوش بشمار میرود مگر اینکه از این پس آثاری کشف گردد که با آنچه ذکر شد مغایرت داشته باشد .

آثار هخامنشی مجاور سرّوان ذیل شماره ۱۹۰ در تاریخ ۹ مرداد ماه ۱۳۱۲ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت تاریخی رسیده است . (۲)

### نقوش برجسته عهد عیلام (کورانگون)

در کوهستان نزدیک سرّوان برفراز تپه ای که در دامنه کوهستان و بر بالای

(۱) در کتاب راههای باستانی و پایتختهای قدیمی غرب ایران تألیف دکتر بهمن کریمی از انتشارات اداره کل باستانشناسی (چاپ تهران - شهریور ۱۳۲۹ ص ۱۶) نیز این قسمت تصریح شده است .

(۲) در حال حاضر محل این ویرانه ها بنام امامزاده اسمعیل خوانده شده زیارتگاه مردم آن سامان گردیده است و دوروبر سه ستونهای سنگی عهد هخامنشی سنگ چین و چوب و کتری و ظرف و شمع میگذارند و نیاز میجویند .

رودخانه واقع شده است نزدیک دهکده سه تلو نقوشی از دوران عیلامیان وجود دارد که هر چند بسیار محو گردیده فقط شبیهی از آنها باقی مانده است لکن از نظر اهمیت درخور توجه فراوان میباشد، (ش ۱۹۹)

نقوش مزبور مشتمل بر تصویر دو رب<sup>۱</sup> النوع یکی بصورت مرد و دیگری بصورت زن است و عده‌ای هم در دو جانب و روبروی آنها ایستاده‌اند، مرد بر روی تختی که از يك مار حلقه زده تشکیل شده است نشسته سر مار را با دست چپ گرفته است و با دست راست خود جامی از آب زندگی بسوی مردم روان میسازد زن در کنار او نشسته است، هر يك از دو تصویر فوق دارای دو شاخ بر سر میباشد، سه نفر بر جانب راست یا روبرو و دو نفر بر جانب چپ یا پشت سر ایشان با لباسهای بلند ایستاده‌اند و ۲۷ نفر هم در مقابل ایشان با جامه‌های نسبتاً کوتاه تماماً دست بسینه هستند که تصاویرشان بر تخته سنگهای جداگانه روبروی نقش رب<sup>۱</sup> النوعها حجاری گردیده است، از این نقوش نخستین بار در کتاب آثار عجم<sup>(۱)</sup> ذکر شده است و چون در آن زمان هنوز از آثار عیلام و ادوار پیش از تاریخ ایران اطلاع چندانی در میان نبود لذا مرحوم فرصت الدوله فقط بوجود آنها اشاره کرده توضیحی درباره موضوع و تاریخ آنها ننوشته است و یک سال پس از بازدید مرحوم فرصت الدوله یعنی در سال ۱۳۰۲ شمسی (۱۹۲۳ میلادی) دانشمند فقید پروفیسور هرتسفلد آلمانی نقوش مزبور را ملاحظه و بررسی علمی نموده آنها را از آثار دوره عیلام و مربوط بحدود دو هزار سال پیش از میلاد مسیح تشخیص داده است.

وجود این نقش و نقش برجسته عیلامی در نقش رستم نزدیک تخت جمشید که ذکر آن در صفحات ۴۰ و ۴۱ گذشت از طرفی دلیل بر اینست که لااقل یا تازده قرن پیش از عهد هخامنشی احداث نقوش برجسته و تصاویر انسانی بر سنگهای سخت کوهستان بوسیله هنرمندان ایرانی انجام میگرفته است و اینگونه آثار هنری در سرزمین باستانی ایران ریشه بسیار قدیمتر از دوران هخامنشی دارد و از طرف دیگر معلوم

(۱) چاپ بمبئی ۱۳۱۴ قمری صفحه ۳۰۸.



مینماید سلطه دولت عیلام و معتقدات مذهبی عیلامیان تا نقاط بسیار دور دست نواحی فارس که در مشرق خاک عیلام واقع بوده انبساط داشته است و این هر دو مطلب از نظر تاریخ ایران دارای اهمیت فراوان است .  
نقش مار که در حجاری کورانگون وجود دارد و آثار محوی از آن نیز در نقش رستم باقی است مظهر یکی از رب النوعهای مردم پیش از تاریخ میباشد و قبل از ورود آریاها بایران و هند در هر دو سرزمین پرستش مار جزء معتقدات مردم بوده است.

نقوش عیلامی کورانگون ذیل شماره ۲۵۴ در تاریخ ۲۵ خرداد ماه ۱۳۱۵ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت تاریخی رسیده است .  
بر بالای کوهستانی که نقوش برجسته فوق در تخته سنگهای دامنه آن قرار دارد آثار و ابنیه باستانی هست که با فراهم گشتن شرایط و مقتضیات مناسب و مساعد انجام کاوشهای علمی و تحقیقات باستانشناسی در آنها بمرور خواهد بود .

### دخمه سنگی موسوم به داودختر

آخرین اثر تاریخی مهم فارس که در انتهای شمال غربی ناحیه ممسنی قرار دارد دخمه سنگی بسیار قدیمی در بالای کوهستان است که عموماً بنام داودختر نامیده میشود و نام صحیح محلی آن ظاهراً دی و دودر بزبان محلی بمعنی مادر و دودختر میباشد .

برای رسیدن باین اثر تاریخی بایستی راه فهلیان بخوزستان را که بجانب شمال غربی امتداد دارد ادامه دهند تا بمحلی موسوم به کوپون برسند و از کوپون به آبادی حسین آباد رفته از آنجا بجانب کوهستان بالا روند ، برای رفتن از حسین آباد بکوهستان از رودخانه باید عبور کرد زیرا راه کوهستانی آن بسیار سخت است .

دخمه مزبور در ارتفاع تقریبی ۳۰۰ متر قرار گرفته هیئت خارجی آن

مانند دخمه های هخامنشی مرگب از سطحه پهن و بلندی است که قسمت پائین آنرا بصورت صاف در آورده اند، مدخل دخمه در بالای این قسمت و در وسط آن قرار دارد و هر جانب آن دو ستون را نمایانده اند و بالای ستونها حاشیه صاف و مسطحی بوده بر فراز آن شکل کنگره های دنداندار هخامنشی را بر سنگ کوه بطور برجسته تراشیده اند و رویهمرفته نمای خارجی آن بخوبی وضع دخمه های شاهنشاهان هخامنشی را در نقش رستم و تخت جمشید بخاطر می آورد (ش ۲۰۰) بسیاری از مطلعین این دخمه را منسوب بدوره ماد دانسته چنین اظهار عقیده میکنند که بین سالهای ۶۵۰ تا ۵۵۰ پیش از میلاد ساخته شده است و برخی دانشمندان هم آنرا متعلق یکی از شهریاران هخامنشی پیش از کورش کبیر میدانند یعنی هنگامیکه هخامنشیان سلطنت محلی پارس را داشته اند، توجه بوضع خارجی دخمه خصوصاً حجاری بالای ستونها این احتمال را نیز بوجود می آورد که دخمه مزبور مربوط بدوران متأخر هخامنشی باشد و اساساً با فراهم شدن وسائل و مقتضیاتی که سهلتر بتوان بدخمه نامبرده رسید و با فراغ خاطر آنرا بررسی دقیق نمود اظهار نظر درباره آن از لحاظ درجه قدمت تاریخی هم بهتر میسر خواهد بود.

دخمه داو دختر یا بگفته محلی دی ود در ذیل شماره ۲۹۹ در تاریخ ۲۹ آذرماه ۱۳۱۶ در فهرست آثار ملی ایران ثبت تاریخی رسیده است.

### تل اسپید و یخه سنگر و لوط :

در کوهستانهای نزدیک داو دختر (پیش از آنکه از جانب فهلیان باین محل تاریخی برسند) آثار قدیمی دیگری وجود دارد از قبیل تل اسپید که تپه قدیمی بوده اکنون روی آن آبادی جدید ساخته اند و یخه سنگر که دیوار سنگی بطول قریب نیم کیلومتر و پهنای نیم متر بوده قسمتهائی از آن ریخته و قسمتهائی بجا مانده است و همچنین ویرانه های محلی بنام لوط و آثار دوسد قدیمی که

احتمالاً از عهد ساسانیان است و طبعاً توضیح اینگونه آثار که رسیدن بآنها هم محتاج فرصت فراوان و وسایل کافی است در اینجا بمرور بنظر نمی‌رسد .

راه فہلیان بخوزستان پس از گذشتن از کوپون به پل تنگاب میرسد، پل تنگاب حدّ فاصل کنونی سر زمین فارس و استان خوزستان است لکن در زمان سابق قلمرو حکومت فارس شامل نواحی بیشتری در جانب مغرب بوده حدّ آن به رامهرمز میرسد و بدینقرار منطقه سکونت اصلی طوایف بویر احمدی و ارّجان (ارگان قدیم) و بہبہان نیز جزء فارس بشمار میرفت ولی اکنون جزء خوزستان است بنا بر این آثار تاریخی این نواحی که مشتمل بر آتشکده و پلہای نیمہ ویران و بقایای شهرها و آبادیہای معظّم و نقاط باستانی و نقوش بر جستہ مهمّ قدیمی است در این کتاب تا گفته میماند و در ضمن شرح آثار تاریخی و محلہای باستانی خوزستان باید مذکور گردد ، بدین لحاظ بشرح آثار قدیمی سر زمین فارس از جانب مغرب خاتمه داده میشود و بذکر آثار تاریخی بندر بوشہر و جزیرہ خارک کہ از لحاظ نزدیکی و سابقہ تاریخی و موقعیت طبیعی ہمیشہ ارتباط ناگستنی با فارس داشته و دارد میپردازد .



## فصل ششم . آثار تاریخی بوشهر و جزیره خارک

### ۱ - بوشهر

بندر بوشهر در شمال شبه جزیره‌ای قرار دارد که امتداد آن تقریباً از شمال غربی به جنوب شرقی است و وسط این شبه جزیره از جانب مشرق متصل و مربوط بنخاک میباشد و بدین ترتیب دو خلیج کوچک در جانب شمال و جنوب آن در فاصله بین دو قسمت شمالی و جنوبی جزیره مزبور با سواحل راست خلیج بسوجود آمده است .

بندر بوشهر خود در انتهای شمالی شبه جزیره واقع گردیده است و جانب چپ آن به خلیج فارس و جانب راست آن بخلیج کوچک جانب شمال شبه جزیره مربوط و متصل میباشد .

در عهد عیلام یعنی هزاره دوم و قسمتی از هزاره اول پیش از میلاد در قسمت جنوبی شبه جزیره مزبور و در پناه خلیج جنوبی آن یکی از مراکز آبادانی و تمدن قدیم وجود داشته است که بنام ریشهر خوانده میشود و بر سر راه دریائی شوش به مهانجودارو<sup>(۱)</sup> بوده همدوران آثار شوش و سایر یادگارهای عیلامیان و مربوط بتمدن دوران مزبور است و در عهد اردشیر بابکان نیز شهر رام اردشیر در آنجا قرار داشته است و اکنون خرابه‌های ریشهر قدیم بمسافت دو فرسنگی بوشهر

---

(۱) Mohenjo-Daro از مراکز باستانی معروف و مهم در جانب غربی رود سند در پاکستان غربی است که ابنیه زیاد و آثار مختلف هزاره‌های دوم و سوم پیش از میلاد در خاک کرداریها و کاوشهای علمی آن کشف شده است ، واژه موئن بزبان سندی بمعنی مردگان و کلمه دارو بمعنی تپه بوده ترجمه مهانجودارو تپه مردگان است .

در قسمت جنوبی این شبه جزیره موجود بوده نشانه های تمدن و بقایای ابنیه و آثار مختلف دوران عیلام و عهد ساسانیان را در دل نهفته دارد و یکی از محلهای باستانی بشمار میرود که با فراهم بودن وسائل و مقتضیات کار و اطمینان از حفظ آنچه از بقایای ابنیه موجود کشف میشود در خور کاوشهای علمی و تجسسات فنی باستانشناسی است .

در سال ۱۲۹۲ شمسی (۱۹۱۳ میلادی) هیئت علمی فرانسوی در ریشهر کاوشهای علمی انجام دادند و محل مزبور را با محلی که در دوره عیلام بنام لیان (Liyan) خوانده میشد منطبق دانستند و علاوه بر سفالهای منقوش و اشیاء مفرغی آثار ساختمانها و آجر های نوشته از عهد شوتروک ناخوتته<sup>(۱)</sup> در آنجا یافتند.<sup>(۲)</sup> طبیعی است با انجام کاوشهای باستانشناسی در سواحل ایران (در خلیج فارس و خلیج عمان) بهتر پیوستگی تمدنهای چند هزار ساله شوش و نواحی مختلف فارس با سرزمینهای هند و پاکستان معلوم و اهمیت ریشهر از این بابت نیز بیشتر مشهود خواهد شد.<sup>(۳)</sup>

ویرانه های باستانی ریشهر ذیل شماره ۱۲ در تاریخ ۲۴ شهریور ۱۳۱۰ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است .

#### ۴- آثار تاریخی جزیره خارک

جزیره خارک بمسافت ۵۲ کیلومتری شمال غربی بوشهر و سی کیلومتری بندرریگ (بین بوشهر و گناوه) واقع گردیده است و تا شهر آبادان ۲۸۰ کیلومتر مسافت دارد .

(۱) Shutruk-Nakhunté از شاهان دوره معروف به عهد طلائی عیلام مربوط به هزاره سوم پیش از میلاد بوده است .

(۲) کتاب باستان شناسی ایران قدیم - واندنبرگ - ص ۵۲ .

(۳) در زمان سلطنت نادرشاه افشار (۱۱۴۸ تا ۱۱۶۰ هجری) نیز ریشهر مرکز نیروی دریائی

ایران در خلیج فارس بوده و فعالیت بسیاری در این باره در آنجا بعمل میآمده است .

درازای جزیره شمالی جنوبی در حدود هشت کیلومتر و قسمت پهتر آن در شمال به عرض قریب چهار کیلومتر است، رشته کوهستان شمالی جنوبی باعث اعتدال هوای قسمت شرقی جزیره شده از روزگار قدیم یکی از مراکز آبادی در خلیج فارس و مورد توجه دریا نوردان و سوداگران بوده است، پیشینه تاریخی آن لااقل بدوران هخامنشی یعنی قرن پنجم پیش از میلاد میرسد و در کتب تاریخی یونانیان به نامهای ایکار<sup>(۱)</sup> و آراسیا<sup>(۲)</sup> مذکور گردیده از وجود معابد باستانی در آنجا صحبت شده است، اکنون این جزیره بعلت وضع طبیعی که دارد از مراکز عمده فعالیت های شرکت ملی نفت ایران گردیده لوله بزرگ نفت خام از ناحیه کچساران بساحل خلیج فارس و از آنجا از زیر دریابه جزیره خارکو و سپس جزیره خارک امتداد یافته است<sup>(۳)</sup> و بدین لحاظ جریان نفت و بارگیری آن در کشتیهای بزرگ نفت کش محور زندگی جزیره نشینان خارک را تشکیل میدهد و بهمین مناسبت راه عمده و اصلی آمد و رفت بآن بوسیله هواپیما از آبادان است لکن بحکم موقعیت طبیعی و پیشینه تاریخی بشرحی که گذشت ارتباط آن با سرزمین فارس اقتضا مینماید آثار تاریخی جزیره مزبور در این رساله معرفی گردد.

موقعی که نگارنده دست بکار اتمام این فصل بودم رساله بسیار مفید و شیوایی بنام «در یتیم خلیج - جزیره خارک - تألیف دانشمند گرامی آقای جلال آل احمد انتشار یافت که حاوی تحقیقات و اطلاعات جامعی درباره جزیره مزبور بود و بسیاری از اطلاعات مذکور در این مختصر با آن مقابله و حک و اصلاح یا تکمیل گردید.

طبق آنچه در رساله مزبور نوشته شده است اعراب به جزیره خارک «ام الرّبانیین» نیز میگفته اند یعنی وطن ناخدایان زیرا بسیاری از مردم این جزیره به شغل ناخدائی و راهنمائی کشتیها در دریا و خلیجهای اطراف خلیج فارس و دریای عمان

(۱) Icare (۲) Aracia .

(۳) روز سه شنبه هفدهم آبان ۱۳۳۹ بندرگاه جزیره خارک و لوله عظیم نفتی آن بوسیله اعلیحضرت همایون شاهنشاهی افتتاح یسوت و کشتیهای رضاشاه کبیر و محمد رضا شاه اولین نفتکش هائی بود که در اسکله خارک بارگیری نمود و عازم اروپا گردید .

و شبه جزیره عربستان اشتغال داشته‌اند و هنوز هم عده‌ای از ایشان همین شغل را دارند. (۱)

آثار و ابنیه تاریخی جزیره خارک در حال حاضر بدینقرار می‌باشد :

### ویرانه های عبادتگاههای باستانی

بر فراز گردنه کوهستان که بندرگاه خارک را از باد های جانب شمال غربی ایمن میدارد دوردیف تخته سنگهای تراش جسیم موجود است و بوسیله پلکان پهنی که يك قسمت آن باقی مانده است با آنجا میرسیده‌اند ، تخته سنگهای مزبور در وسط توده های سنگهای لاشه که از فروریختن دیوارهای قدیمی بوجود آمده است قرار دارد و در حول و حوش این آثار در چندین محل طاغچه هائی از سنگ کوه در دوردیف پنج تائی ایجاد کرده‌اند که ظاهراً محل گذاردن نذرها بوده است .

محل مزبور که بشرح فوق مکان متبرکی بود پس از طلوع آئین زرتشت باز هم متبرک ماند ، در نزدیکی پلکان سابق الذکر بقعه محقر متروکی وجود دارد که از وضع معماری آن میتوان پنداشت ابتدا آتشکده بوده بعداً به مسجد تبدیل گردیده است .

بر فرازیکی از برجستگیهای شمالی جزیره دو تخته سنگ يك پارچه متکی بیکدیگر بصورت عدد ۸ وجود دارد که بنام دو دختر خوانده میشود .

بقعه میر محمد

بمسافت صد متری مغرب آثار مزبور بقعه‌ای دارای گنبد هر می شکل مضرس و گنبد كوچك مدور دیده میشود (ش ۲۰۱) - درون فضای آن مزین به ازاره‌ای از کاشیهای ستاره‌ای و هشت ضلعی عهد مغول میباشد که قسمت اعظم آنها از میان رفته و بر روی يك عده از آنچه باقی مانده است سال تاریخ ۷۳۸ هجری خوانده میشود .

(۱) نقل از درتیم خلیج - جزیره خارک، بقلم حلال آل احمد چاپ طهران ۱۳۳۹ شمسی

نام این بقعه امامزاده میر محمد بوده بعقیده مردم مدفن محمد حنفی فرزند حضرت امیر المؤمنین علی (ع) است و بر کتیبه موجود در آنجا چنین خوانده میشود :

«هذه المقعد امیر المؤمنین محمد بن امیر المؤمنین علی - کتبه حسین البخاری»

کتیبه دیگری هم حاوی این کلمات در آنجا بنظر میرسد : «والصدقات الجاریات والجنات الباقیات فی جمیع الانفاس واللحظات فی سنة اربعین وسبعمائة» بانی این بقعه همان حسین بخاری است که نام او در کتیبه اولی مذکور میباشد و غیر از کاشی های ازاره و مقدار مختصری آجر بقیه مصالح ساختمانی آن از سنگهای محل و گچ و آهک است .

بطوریکه از کتاب «در یتیم خلیج» بر میآید مرقد در زیر گنبد کوچکتر واقع گردیده است و گنبد بزرگتر مخروطی مضرب بر فراز مسجد متصل و مربوط به مرقد نامبرده قرار دارد و از این لحاظ هم شبیه زیارتگاههای مهم شیراز است .

سالهای تاریخ ۷۳۸ و ۷۴۰ مذکور در بقعه مورد ذکر مقارن با دوران حکمرانی قطب الدین تهمتن (۷۱۸ تا ۷۴۸ هجری) از شاهان مشهور هرمز است که جزیره خارک و سایر جزایر و سواحل خلیج فارس و عمان را تحت فرمانروائی خود در آورده بود . (۱)

### گورستان های پیش از اسلام

در قسمت شرقی جزیره خارک سه گورستان پیش از اسلام بنظر رسیده است ، کلیه مقابر در دل سنگ کنده شده روی آنها را با تخته سنگهای مسطح پوشانیده بودند و قسمت اعظم آنها را دستبرد زده آثار درون قبر ها را از میان برده اند ، در قسمتی از کوهستان که معبد باستانی سابق الذکر وجود داشت مقابر فراوانی احداث کرده بودند ، يك عده این مقابر چندان عمقی نداشته دهانه آنها مدور است و بنظر میرسد اینگونه مقابر استودانهای زردشتیان باشد ، تعدادی مقابر هم دارای

(۱) به صفحه ۶۶ همان کتاب مراجعه شود .



مدخلهای کوتاه است و بالای مدخل آنها نقش صلیب دیده میشود و میرساند مدفن عیسویان بوده است، از میان مقابر نوع اخیر یکی که از همه بزرگتر و مهمتر است دارای نماسازی زیبایی مشتمل بر جرز بندی و طاقچه‌ها و گوشوارهاست (ش ۲۰۲) و در قسمت داخل دهلیزی دارد (ش ۲۰۳) و بعد از دهلیز به محوطه اصلی میرسند که سه پوشش شبیه ضربی بر فراز آن ترتیب داده‌اند و مقابر متعدد در آنجا موجود است. این اثر تاریخی هر چند بسیار آسیب دیده و خرابی زیاد بدان راه یافته است با وجود این میتوان معماری سبک اشکانی و ساسانی را در آن تشخیص داد.

روبروی مدخل قبر اخیر نقش برجسته بسیار محوی وجود دارد که میتوان در آن تصویر شخصی را دید که بر تختی تکیه زده و گویا جامی به یکدست خود گرفته است و وضع این نقش برجسته و تزئینات اطراف آن طوری است که معلوم میدارد محلّ مزبور يك مقبره سبک تدُمري (پالمیری) (۱) است و وجود این نقش میرساند که فعالیت مردم تدُمري در بازار گانی شرق و غرب علاوه بر آنکه از راه خشکی تا نقاط دوردست انبساط داشته از راه دریا نیز انجام میگرفته است و این موضوعی بود که پیش از مشاهده و تشخیص آثار نقش برجسته سابق الذکر در جزیره خارک پوشیده مانده بود (۲)

شرح آثار تاریخی فارس در اینجای پاپیان میرسد و یکبار دیگر از عان مینماید که این کتاب مخصوصاً دربارهٔ بسیاری از آثار تاریخی سرزمین وسیع و باستانی

(۱) تدمر (Palmyre) مرکز آبادانی و بازار گانی مهم و معروف عهد رومیان در سوریه (در مشرق حمص و در شمال شرقی دمشق) است که آثار تاریخی و ابنیه سنگی موجود آن نیز شهرت جهانی دارد.

(۲) قسمتی از اطلاعات مربوط با آثار تاریخی جزیره خارک از سخنرانی ۳۰/۷/۳۷ آقای دکتر گیرشمن در موزه ایران باستان و همچنین مقاله مربوط باین موضوع که در شماره ۱۵ بهمن ماه ۱۳۳۷ روزنامه اطلاعات مندرج بود اقتباس و استفاده شده است ضمناً در کتاب «دریتیم خلیج - جزیره خارک» صفحات ۵۹ تا ۶۳ از طرف مؤلف دانشمند کتاب مزبور بررسیها و توضیحات مفیدی دربارهٔ دخمه‌ها و ویرانه‌های باستانی سابق الذکر مرقوم رفته است.

فارس اطلاعات بسیار مختصر و اجمالی در بردارد و چه بسا ممکنه باستانی و ویرانه‌های مهم تاریخی و اطلال گوناگونی که بعثت نبودن راه و موقعیتهای محلی و دور ماندن از نظر بینندگان مطلع و علاقه مند هنوز مجهول مانده با انتظار روزی است که سطح فرهنگ و دانش کشور اقتضای کشف و بررسی آنها را داشته باشد و یقیناً در آینده نزدیک جوانان پر شور و کاروانهای علمی از فرزندان این آب و خاک بطور جداگانه یا با همکاری و اشتراک باستانشناسان ایران دوست خارجی قسمتهای مختلف فارس را مانند سایر مراکز تمدنهای باستانی کشور ایران پیموده آثار تاریخی ناشناس مانده را کشف خواهند نمود و حق علمی در خور آنها را ایاری خدای بزرگ ایران جاویدان و با استظهار با ولیای بیدار دل دولت و مردم علاقه مند ادا خواهند کرد و درباره آثار تاریخی معلوم هم خدمات گذشته یا نارسا یا انجام نیافته را تکمیل و اجرا خواهند نمود، در هر گوشه و کنار این سرزمین وسیع نشانه های تمدنهای چند هزار ساله و مجد و عظمت ایران و ایرانیان باقیست و فرزندان پاک نهاد این آب و خاک همیشه در خدمت و ارج گزاری یادگارهای نیاکان و پیشینیان مرز و بوم خویش آماده و در خور هر گونه توجه و ارشاد و قدر شناسی بوده و خواهند بود.

بمنه و کرمه

مطالبی که ضمن چاپ کتاب مورد اطلاع واقع گردیده با همکاری دوستان دانشمند و علاقه مندان دیگر فراهم آمده است تحت عنوان ذیل در پایان کتاب (پس از خاتمه تصاویر) افزوده شده است.



تصاویر



ش-۱- منظره قلعه باستانی ایزدخواست از جانب شمال غربی -  
 نقل از مجله ملی جغرافیائی واشنگتن شماره ۴ سال ۳۹ - آوریل ۱۹۲۱  
 نسخه متعلق به جناب آقای محسن حداد - عکس از هارولد.ف. وستون

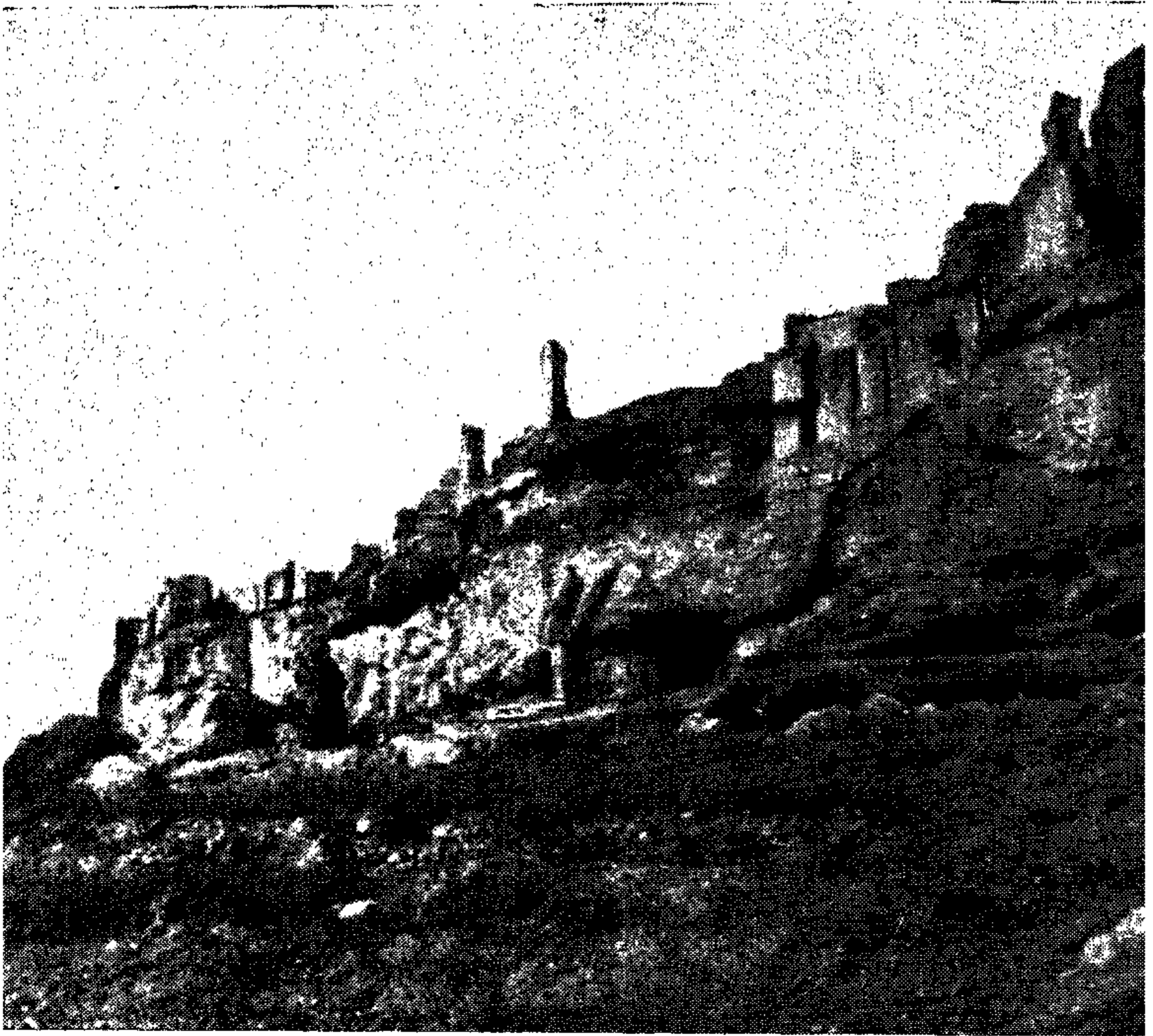
National Geographic Magazine Volume XXXIX Number Four  
 April 1921

(ضمن توضیح مربوط باین تصویر در مجله نامبرده قلعه ایزدخواست همانند کشتی  
 که تبدیل به سنگ گشته وطی قرون و اعصار در ساحل رودخانه خشکی به گل نشسته  
 باشد یاد شده است) .

Fig 1 - Izad Khast ou Yazd-Khast, bourg fortifié de l'époque  
 Sassanide.

Fig 1 - Izad-Khast or Yazd-Khast, fortified borough Sassanian  
 period.





ش-۲- قسمتی از ضلع شرقی قلعه باستانی ایزد خواست (مربوط به صفحه ۱)

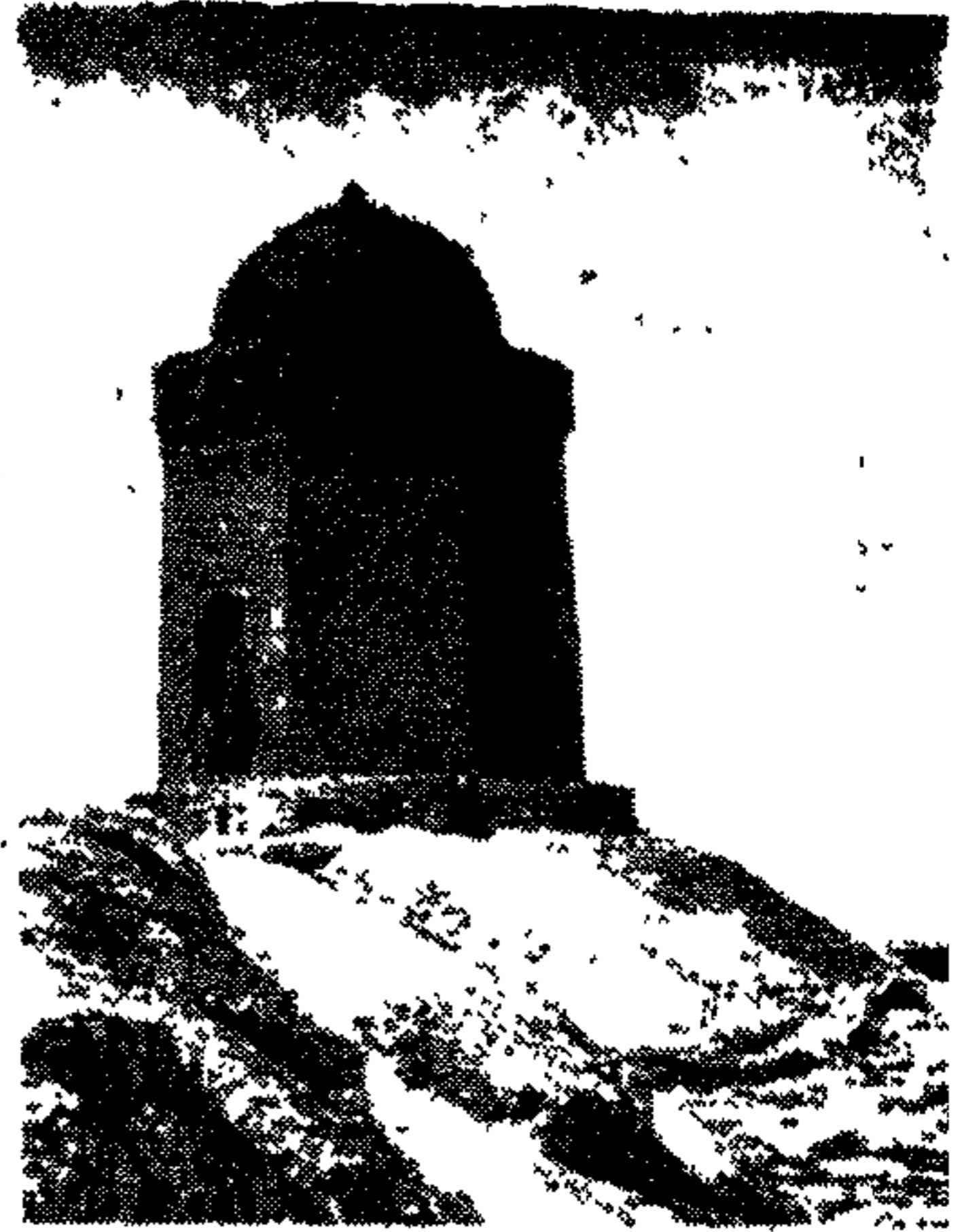
Fig2 - Côté est du bourg fortifié d'Izad-Khast.

Fig2 - Eastern side of Izad-Khast, fortified borough.

ش-۳- بنای تاریخی گنبد علی در ابرقو مورخ  
به ۴۴۸ هجری (مربوط به صفحه ۳) نقل از جلد  
اول آثار ایران (بزبان فرانسه) صفحه ۴۸

Fig 3 - Abarqu, Tour funéraire de Gunbadi Ali  
datée de 448 H (1036).

Fig 3 - Abarqu, a funeral tower of 448 H (1036).



ش-۴- مسجد جامع ابرقو (مربوط به صفحه ۴) نقل از جلد اول آثار ایران (بزبان-  
فرانسه) صفحه ۵۹

Fig 4 - Abarqu, la Mosquée Djami, 14 ème et 15 ème siècle

Fig 4 - Abarqu, The Djami Mosque 14 th-15 th cent.